

شاخصه های زنان الگو در قرآن کریم در قلمرو عبادی

مریم سادات موسوی اصل¹

ناهیید موحدی²

چکیده

الگو، یعنی نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد مختلف که در جهت رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود. اگر انسانی فروتن و خاضع در برابر پروردگارش شد، الگویی برای دیگر انسانها قرار می‌گیرد. اگر اسلام الگویی را برای زن مسلمان ارائه ندهد و صرفاً یکسری تکالیف را بر عهده او گذارد، کار بیهوده شمرده خواهد شد در صورتی که بیهوده گری از خدا و دین مبرا است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیل و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و با هدف معرفی شاخصه های زنان الگو در قرآن در قلمرو عبادی انجام گرفته و در پایان بدین نتیجه رسیده است که خلوص در عبادت، عبادتی خاضعانه و پیوسته، جدیت در عبادت، دوام در عبادت، همت بلند و جامعیت در دعا و اعتراف به خطا و توبه از آن، از جمله شاخصه های زنان الگو در قرآن در قلمرو عبادی می‌باشند که زنان مسلمان با الگو گیری از آنها خواهند توانست مسیری دینی را بپیمایند.

مقدمه

منظور از (الگو)، نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود. در متون اسلامی و تعلیم و تربیت و روان شناسی واژه‌های امام، اُسوه، قُدوه، مُدل، نمونه، مثال، سرمشق، هادی، دلیل، حجت تقریباً به معنای (الگو) هستند. اگر انسانی وارسته شد الگوی دیگر انسان ها است. اگر مرد است الگوی مردم است نه مردان، و اگر زن است باز الگوی مردم است نه زنان. این مطلب را قرآن کریم به صورت صریح روشن کرده و چهار زن را به عنوان زن نمونه (دو نمونه خوب و دو نمونه بد) ذکر می‌کند.

برای اینکه یک زن بخواهد زن مسلمان باشد، لازم است به یک عده بینش‌ها معتقد باشد و به تبع آن به یک عده رفتارها ملتزم باشد. اگر اسلام بدون معرفی الگو، صرفاً یک سری معیارها و ملاک‌هایی را برای زن مسلمان ارائه دهد یک حرف مبهم ارائه

¹ طلبه مقطع تحصیلی سطح دو حوزه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها.

² استاد حوزه علمیه خاوران

کرده است. چون چگونگی تحقق معیارها نشان داده نشده است و از طرفی عملی بودن این معیارها زیر سؤال است. در نتیجه حجت بر زنان تمام نمی‌شود. پس باید اسلام یک نمونه و الگو ارائه دهد که ملاک‌ها و معیارهای زن مسلمان در او کاملاً پیاده شده باشد تا زنان ببینند که این معیارها قابل عملی شدن هستند و ثانیاً این معیارها چگونه قابل پیاده شدن می‌باشند. بنابراین، اگر کسی معیارها را بشناسد این امر او را از مزیت مشاهده تحقق آنها بی‌نیاز نمی‌کند. الگو گرایی، انسان را به تعالی روح و همت‌های والا فرا می‌خواند. آشنایی با چنین الگوهای انسانی را به نوعی تحسین و امیدوار می‌دارد و آنها برای دستیابی به منزلت رفیع الگوها، از هدف‌های محدود و زندگی روزمره فراتر رفته، به نوعی حیات معقول و معنوی سوق می‌یابند.

از این رو اهمیت بیان شاخصه‌های زنان الگو در قرآن در همه‌ی عرصه‌های زندگی مشخص می‌شود، از جمله: عرصه‌ی خانوادگی، عرصه‌ی مجاهده‌ی سیاسی و اجتماعی، عرصه‌ی معرفتی عرفانی، و عرصه‌ی عبادی.

از آنجا که عبادت کامل که قرب الهی را به دنبال دارد و موجب طهارت باطن و درون می‌گردد، عبادتی است که روشمند و طبق شرایط انجام شود. از این رو دارای مبانی، اهداف و ویژگی‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. توجه به این امور، تربیت عبادی را شکل می‌دهد که یکی از ابعاد تربیتی قرآن کریم می‌باشد.

لذا در مقاله حاضر به بررسی شاخصه‌های عبادی زنان الگو پرداخته است تا زنان مسلمان بتوانند همه‌ی معیارهای عبادی یک زن مسلمان را شناخته و در خود پیاده کند. مهناز حسینی و الهه علومی در مقاله زنان اسوه در قرآن کریم بر این عقیده است که یکی از موثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی که در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته ارائه الگوهای شایسته بطور مستقیم یا غیر مستقیم می‌باشد. قرآن از روش معرفی الگو به طور گسترده استفاده می‌کند. اسوه اصطلاح خاص الگو در قرآن است و میتواند حسنه مطلوب یا سیئه نامطلوب باشد. اکثر ارزشها، رفتارها و ویژگیهای بیان شده برای الگو میان هر دو جنس مشترک است و بسیاری از ارزشها در وجود زنان الگو معرفی و تجسم شده است.

زهرا محمدی در مقاله ضرورت وجود الگو برای زنان مسلمان بر این باور است که با توجه به اینکه یکی از نیازهای فطری انسان، حس الگوخواهی و تقلیدپذیری است. لذا زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، نیازمند معرفی الگوهای شایسته هستند تا از این طریق بتوانند به این خواسته درونی خود پاسخ داده و سهم عظیمی از تربیت صحیح آنان داشته باشد.

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است و در صدد معرفی شاخصه‌های زنان الگو در قرآن در قلمرو عبادی می‌باشد.

کلیدواژه : زنان،الگو، زنان الگو، شاخصه زنان الگو

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. شاخصه

(شاخصه) از واژگان عربی و مونث (شاخص) است (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه شاخصه) که به زبان فارسی راه یافته است و معانی متعددی برای آن ذکر شده است از قبیل؛ بلند برآمده از هر چیزی، مرتفع، تیر که از بالای نشان درگذرد، چشمی که واگشوده نهاده باشد، علامتی که در آفتاب برای تعیین و تشخیص وقت ظهر نصب می کنند و غیره (دهخدا، واژه شاخص؛ عمید، ذیل واژه شاخص). در اصطلاح برای شاخصه معانی متعددی ذکر شده است که در ذیل به دو نمونه اشاره می شود:

__ جزئی ترین ویژگی و وجه منحصر به فرد یک دست ساخته که آن را از دست ساخته های دیگر متمایز می کند. (اصطلاح باستان شناسی)؛

__ ویژگی ای که یک سامانه را از سامانه دیگر متمایز می کند. (اصطلاح مهندسی مخابرات).

بنابراین شاخصه به معنای اصطلاحی با شاخصه در لغت به معنای علامت نزدیک است و دارای دو مؤلفه ذیل است:

ویژگی یک شیء است.

این ویژگی به گونه ای است که عامل تمییز و جداسازی آن شیء از غیر خودش است. در این مقاله مراد از شاخصه، همان اوصاف و ویژگی های ممیزه یک زن مسلمان است که آن را از دیگر زنان جدا می سازند؛ بنابراین مراد از شاخصه های زنان الگو در قرآن در قلمرو عبادی، ویژگی هایی است که نشان میدهد یک زن مسلمان چه ویژگی هایی باید داشته باشد.

۱-۲. قلمرو عبادی

امور عبادی همان دستورات و تکالیف عملی بر عهده مکلفین در اسلام است که این تکالیف متناسب و برخواسته از اصول اعتقادی است. به عبارت دیگر فروع دین همان مسئولیت ها و بایدها و نبایدهایی که از طرف شارع بر عهده انسان نهاده شده است. مصادیق امور عبادی یا همان فروع دین در اسلام عبارت اند از: نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی، و تبرّی. (حیدر نژاد، 1398، ص ۶۶-۶۷).

۲. شاخصه های الگویی در قلمرو عبادی

۲-۱. خلوص در عبادت

یکی از شاخصه هایی که زنان الگو در قرآن در قلمرو عبادی دارند، خلوص در عبادت است.

خداوند سبحان در قرآن کریم، هدف نهایی از خلقت انسان را عبادت خود معرفی کرده و ارزش انسان را به میزان دعا و عبودیت او می‌داند (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیران، ج ۱۸، ص ۵۸۲).

عبادت را به پرستش، اطاعت و پیروی خاضعانه و خاشعانه و در مواردی به نهایت خضوع و فروتنی معنا کرده‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه عبد). عبادت به این معنا حالتی در وجود انسان است که خود را نیازمند و در اختیار حقیقتی که او را آفریده است، ببیند (مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۹۰ش، ج ۲۱، ص ۱۹۵-۱۹۶). علامه طباطبایی حقیقت عبادت را این می‌داند که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار داده و از هر چیز دیگر بریده، به یاد پروردگار خود باشد و او را ذکر گوید (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۸۸). میل به خدمت و تقدیس موجودی برتر که مستحق این خدمت و تقدیس باشد نیز به عنوان حقیقت عبادت بیان شده است (مطهری، مرتضی، یادداشت های استاد مطهری، ۱۳۹۱ش، ج ۶، ص ۱۹۸).

بنابراین اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می‌گیرد، مانند قیام، رکوع و سجود، همه برای مطلوبی بالاتر است و آن اینکه بندگی و ذلت عبودیت بنده را در برابر رب العالمین نشان دهد و عبد، فقر و مملوکیت محض خود را در برابر عزت مطلق و غنای محض مجسم سازد (طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲). همین اظهار عجز و ذلت است که لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می‌پوشاند و او را تا مقام خلیفه الهی بالا می‌برد.

پس اگر عبادتی فاقد ویژگی اخلاص شد و در آن توجه به غیر خدا مطرح شد، از حبّ و واقعیت تهی می‌گردد و جز صورت عبادت از آن باقی نمی‌ماند.

از ویژگی های بارز حضرت مریم علیها السلام، اخلاص او در عمل و بی توجهی محض او نسبت به ماسوی الله بود.

حضرت مریم علیها السلام، مادر حضرت عیسی و دختر عمران، در اسلام تنها زنی است که نامش به صورت مستقیم و آشکار در قرآن آمده (موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۸) و قرآن سی و چهار بار به نام مریم اشاره می‌کند (قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۱۳۹۱ ش، ج ۶، ص ۲۵۲) و صریحاً او را برترین زن عالم می‌داند (سوره آل عمران، آیه ۴۲).

خدای سبحان، عبادت ناب حضرت مریم سلام الله علیها را آن چنان مورد توجه و عنایت خود قرار داده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به آن تذکر داده و می‌فرماید: **وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا.** (سوره مریم، آیه ۱۶)

و در این کتاب آسمانی مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی بیت المقدس قرار گرفت.

مقصود از (کتاب) قرآن کریم و یا سوره مریم است که جزئی از کتاب است، چون جزء کتاب هم خود کتاب محسوب می‌شود، و این مطلب میزان اهمیت این آیه را می‌رساند.

کلمه (نبذ) به طوری که راغب گفته به معنای دور انداختن هر چیز حقیری است که مورد اعتناء نباشد، وقتی می‌گویند (نبذه) یعنی فلان چیز را انداخت، و این را می‌رساند که از جهت حقیر شمردن آن را دور انداخت. و اما کلمه (انتبذ) به معنای (از مردم کناره گرفت) است (طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵).

و این تعبیر در آیه فوق شاید اشاره به آن باشد که مریم به صورت متواضعانه و گمنام و خالی از هر گونه کاری که جلب توجه کند، از جمع کناره‌گیری کرد، و آن مکان از خانه خدا را برای عبادت انتخاب نمود. او در حقیقت می‌خواست مکانی خالی و فارغ از هر گونه دغدغه پیدا کند که به راز و نیاز با خدای خود بپردازد و چیزی او را از یاد

پیامبرش فرمود: (به آن دسته از بندگانم که بر خودشان ستم روا داشته (و خود را به گناه آلوده نموده اند) بگو از رحمت خدا مأیوس نشوند؛ چرا که خدا همه گناهان را می آمرزد. به درستی که او خدای بخشنده و مهربان است) (سوره زمر، آیه ۵۳).

توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت است. در اصطلاح هم به اموری چون ترک گناهان و بازگشت به سوی خدا و عذرخواهی در پیشگاه ربوبی به جهت کوتاهی در انجام وظایف، توبه می گویند.

انسان به هر حال معصوم نیست و خطاهایی از اوسر می زند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۲۳۶)، لذا توبه از گناهان و خطاهای گذشته، و تصمیم بر اصلاح و جبران آن (مکارم شیرازی، ناصر، سوگندهای پر بار قرآن، ص ۹۴) بسیار معنادار می شود.

اصولاً منطق توبه منطق انقلاب اخلاقی و درونی است (سوره قیامت، آیه ۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۲۸۵)، توبه نتیجه فعالیت نفس لوّامه (خود ملامت گر) انسان است. این همان چیزی است که از آن به عنوان وجدان اخلاقی یاد می کنند، در بعضی از انسان ها بسیار قوی و نیرومند است و بعضی بسیار ضعیف و ناتوان، ولی به هر حال، در هر انسانی وجود دارد.

(نفس لوّامه) روحی است بیدار و نسبتاً آگاه، هر چند هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته، گاه لغزش پیدا می کند و در دامن گناه می افتد اما کمی بعد بیدار می شود، توبه می کند و به مسیر سعادت باز می گردد، انحراف درباره او کاملاً ممکن است، ولی موقتی است نه دائم، گناه از او سر می زند، اما چیزی نمی گذرد که جای خود را به ملامت و سرزنش و توبه می دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۲۸۱). به عبارت دیگر انسان بر مبنای فطرت ضرر و زیان های گناهان از جمله ایجاد حجاب میان خود و ذات پاک محبوب واقعی را به خوبی درک می کند، قلب او به خاطر از دست دادن محبوب ناراحت می شود و چون می داند عمل او سبب این امر شده، نادم و پشیمان می گردد؛ و این ندامت سبب ایجاد اراده و تصمیم نسبت به گذشته و حال و آینده می شود. لذا در زمان حال آن عمل را ترک می گوید، و نسبت به آینده تصمیم بر ترک

گناهی که سبب از دست دادن محبوب می گردد می گیرد، و نسبت به گذشته در صدد جبران بر می آید. در واقع آن حالت قلبی (فطرت) سرچشمه ندامت است، و آن ندامت سبب موضعگیری نسبت به گذشته و حال و آینده می گردد (اخلاق در قرآن، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۲۲۰).

برای توبه و اصلاح مفسد نخستین گام این است که انسان از مرکب غرور و لجابت پائین آید و به خطای خویش اعتراف کند، اعترافی سازنده و در مسیر تکامل (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۱۲۷).

همانطور که گفتیم (توبه) در اصل به معنی (بازگشت) است، و در لسان قرآن به معنی بازگشت از گناه می آید، زیرا هر گناه کاری در حقیقت از پروردگارش فرار کرده، هنگامی که توبه می کند به سوی او باز می گردد، همانگونه که حضرت آدم و حوا توبه کرده اند:

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

گفتند: خدایا، ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی سخت از زیانکاران خواهیم بود. (سوره اعراف، آیه ۲۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید: (مَنْ تَابَ، تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَرَتْ جَوَارِحُهُ أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْهِ، وَ بِقَاعُ الْأَرْضِ أَنْ تَكْتُمَ عَلَيْهِ وَ انْسَبَتْ الْحَفَظَةُ مَا كَانَتْ تَكْتُمُ عَلَيْهِ؛ کسی که توبه کند و به سوی خدا باز گردد، خداوند به سوی او باز می گردد؛ و به اعضاء و جوارح او دستور داده می شود که گناه را مکتوم دارند و به نقاط مختلف زمین (که بر آن گناه کرده) نیز همین دستور داده می شود، و فرشتگان نویسنده اعمال، آنچه را نوشته بودند به فراموشی می سپرند). (اخلاق در قرآن، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۲۰۶)

باید دانست گناه انسان هر قدر عظیم و سنگین باشد، راه بازگشت به روی او باز است: (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۲۱۱)

(ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ؛ سپس توبه کنید و به سوی او باز گردید) (سوره هود، آیه ۳) چرا که (إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ؛ پروردگار من، هم رحیم است و هم دوستدار بندگان). (سوره هود، آیه ۹۰)

در این میان توکل بر ذات او، و توجه به این حقیقت که رجوع نهایی همه چیز به سوی او است که علت و معلول یکدیگرند، ایمان به معاد و بازگشت نهایی، سبب توبه می گردد؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۴۲، ص ۲۱) (رَبَّنَا عَلَیْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَیْكَ أُنْبَا وَ إِلَیْكَ الْمَصِيرُ؛ پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشت نمودیم و رجوع نهایی همه سرانجام به سوی تو است). (سوره ممتحنه، آیه ۴)

نتیجه گیری

در این مقاله ویژگی های زنان الگوی قرآنی در قلمرو عبادی بررسی گردید.

شاخصه هایی همچون:

۱. خلوص در عبادت
۲. عبادتی خاضعانه و پیوسته
۳. جدیت در عبادت
۴. دوام در عبادت
۵. همت بلند و جامعیت در دعا
۶. اعتراف به خطا و توبه از آن

غرض از بیان شاخصه ها و ویژگی های زنان قرآنی و پرداختن به آنان در این مقاله معرفی ایشان به عنوان الگو و اسوه حسنه در عبادت زنان مسلمان است . زنان مسلمان با مراجعه به قرآن کریم نمونه های بسیار زیادی را میتوانند از زنان برتر بیابند که خداوند متعال به عنوان الگوی برتر دینی و عبادی معرفی کرده و با بیان شاخصه ها و ویژگی آنان مسیر هدایت را برای همگان روشن می سازد . قرآن کریم همواره به نقش زنان در تاریخ دین مبین اسلام و دیگر ادیان آسمانی و یاری انبیاء الهی تاکید داشته و ضمن عرج نهادن جایگاه زن در اسلام نمونه اسوه عبادی را معرفی می سازد.

فهرست منابع

- قرآن کریم

1. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۳۸۷ هـ ق/۱۹۶۷ م
2. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: شمس الدین، محمد حسین، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، 1419 ق؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، نهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، 1364 ش.
3. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت-لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
4. ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، هاشم رسولی- فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت-لبنان، دارالمعرفه.
5. بان پور، احمد، قصه های دلنشین قرآن، انتشارات استوار، چاپ سوم، ۱۳۹۰ هـ ش
6. برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ ش
7. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، انتشارات اسراء، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷ هـ ق
8. حسین خانی، هادی، تربیت الگویی زنان در قرآن، تهران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.
9. حیدر نژاد، کیوان، پورقهرمانی، بابک، بیگی، جمال، قلمرو جرم انگاری از منظر حوزه امنیت امور اعتقادی و عبادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش3، دوره 12، 1398.
10. دانش نامه عقاید اسلامی، محمدی ری شهری، محمد، مترجم: گروه ترجمه، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، 1387 هـ ش، چاپ سوم
11. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحديث، قاهره، دار إحياء الكتب العربية، 1383 ق.
12. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داوودی، صفوان عدنان، دمشق-بیروت، دارالعلم-الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
13. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج
14. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صالح صبحی، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
15. شیخ صدوق، الخصال، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، 1362 ش.

16. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
17. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
18. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
19. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱.
20. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، 1407 ق.
21. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، اسرار موفقیت، قم، الماس، ۱۳۸۵.
22. مجلسی، محمد باقر، حیات القلوب، ترجمه سید علی امامیان، انتشارات سرور، ۱۳۹۵ هـ ش
23. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسول و الملوک، چاپ موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا
24. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، موسسه انتشارات صدرا، ۱۳۹۶.
25. مطهری، مرتضی، گفتار های معنوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
26. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
27. مطهری، مرتضی، یادداشت های استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۱ ش.
28. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1380.
29. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴.
30. مکارم شیرازی، ناصر، سوگندهای پر بار قرآن، محقق: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام-واحد انتشارات، ۱۳۸۶.